

## عنوان مقاله:

نگاهی به تغییر کارکرد و ساختار برخی از اساطیر در اشعار م. سرشک (بنابر تفکر اومانیستی شاعر)

## محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 2، شماره 2 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

حسین حسن پور آلاشتی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

رضا ستاری - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

مراد اسماعیلی - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

## خلاصه مقاله:

گرچه از عصرجهان بینی اسطوره ای یعنی عصری که انسان می خواست با نیروی خیال و به زبان اسطوره، خود و جهان را تبیین کند، قرن ها گذشته است؛ اما انسان هرگز نتوانسته است، از جاذبه جادویی اسطوره بی نیاز بماند. هنرآفرینان همواره با انطباق اساطیر کهن با شرایط موجود به باززایی و نوسازی آن دست یازیده و از نیروی عظیم خیالی آن بهره گرفته اند. در عصر حاضر شاعران معاصر شعر فارسی به اقتضای فکر و فرهنگ خویش به بازتولید و خلق اسطوره ها روی آورده اند. شفیع کدکنی از جمله شاعران بزرگ معاصر است که هم اسطوره های کهن با تغییر ساختار و کارکرد و هم اسطوره های نوساخته از شخصیت ها ی تاریخی غالباً عرفانی، فراوان در شعرش دیده می شود. در این مقاله تلاش شده است تا نشان داده شود که چگونه زمینه های ذهنی و فکری شاعر، که مبتنی بر ذهنیت اومانیستی است، منجر به تغییر ساختار و کارکرد اسطوره های پیشینی و خلق اسطوره های تازه شده است.

## کلمات کلیدی:

اسطوره، اومانیسم، شعر معاصر، شفیع کدکنی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209570>

